

## نمادهای فرهنگ مشترک ایران و قفقاز، جدایی ناپذیری قفقاز از ایران را تأیید می کند

جمهوری آذربایجان به عنوان بزرگترین کشور قفقاز جنوبی، بیشترین اشتراکات فرهنگی با ایران را دارا می باشد

G/سرویس ایران

خبرگزاری آرن/ سرویس ایران

به گزارش آرن نیوز، دکتر محمد سلماسی زاده از اعضای هیئت علمی دانشگاه تبریز در سخنرانی خود در نشست علمی، تخصصی « قرار داد گلستان، زمینه ها و پیامدها » گفت: مرحله اول جنگهای روسیه با ایران ( 1218-1228 ه.ق برابر با 1813-1803 م ) پس از نزدیک به 10 سال نبردهای پراکنده و فرسایشی سرانجام در در 29 شوال 1228 ق برابر با 12 اکتبر 1813، در شرایطی که تمام فکر و ذکر روسها مقاومت در برابر حمله ناپلئون بناپارت بود و هیچ تمرکزی برای جنگ با ایران نداشتند خاتمه یافت؛ مفاد عهدنامه گلستان مطابق میل انگلیسها و روسها تنظیم و امضا شد که به موجب آن اراضی اشغالی شامل ولایات گرجستان و باکو و شیروان و دربند و گنجه و شکی و موغان و قره باغ، رسماً از سوی فتحعلیشاه قاجار به امپراتوری روسیه بخشیده شد. این جداسازی و گسستن از اساس درست نبود زیرا نه شاه قاجار و نه تزار روسیه صلاحیت آن را نداشتند که مردمی را که هزاران سال با فرهنگ واحدی زیسته بودند از هم جدا سازند و تقسیم کنند و اساساً چنین جدایی امکان پذیر نبود و سیر حوادث بعدی هم در دوره حدوداً 100 ساله سلطه تزاری و هم در دوران 70 ساله بلشویسم این نظریه را تأیید کرد.

دکتر سلماسی زاده ادامه داد: نگاهی به المانها و نمادهای فرهنگ مشترک همین امروز هم این پیوستگی و جدایی ناپذیری را تأیید می کند: باورهای یکسان، آداب و رسوم و سنن همسان و زبان مشترک بیش از هر چیز دیگر موجد این فرضیه است که پیوستگی فرهنگی در عین گسستگی سیاسی شکل گرفته است.

این استاد دانشگاه با استناد مطالب پیش گفته افزود: عهدنامه گلستان را یک قرارداد تحمیلی سیاسی می دانم که هرچند برخی از مفاد آن ناظر به مسائل اقتصادی بود اما سخنی از مسائل و موضوعات فرهنگی به معنای اخص در آن به میان نیامده بود.

سلماسی زاده گفت: در فصل سوم عنوان شده بود که قاجارها مناطق متصرفی را " مخصوص و متعلق به ممالک ایمرپریه روسیه می دانند " و روس ها نیز در عوض در فصل چهارم، سلطنت قاجاریه بر ایران را تأیید و گستاخانه اعلان می کردند که قاجاریه " هرگاه محتاج به اعانت یا امدادی از دولت علیه روسیه باشند مضایقت نمایند تا از خارج کسی نتواند دخل و تصرف در مملکت ایران نماید و به اعانت و امداد دولت روس دولت ایران مستقر و مستحکم گردد " تا ساف و تمسخر بیشتر این بند وقتی نمایان می شد که روسها به جهت جلوگیری از دخالت بیگانگان در امور ایران خود چنین اقدامی را متعهد می گشتند !!

در فصل هشتم اهالی این مناطق مجاز می گشتند " از طریق بحر و بر به جانب ممالک این دو دولت بدون تشویش آیند و هر کس هر قدر خواهد ساکن و متوقف گشته به امور معامله و تجارت اشتغال نمایند و زمان مراجعه آن ها به اوطان خود از دولتین مانع ایشان نشوند آنچه مال و تنخواه از امکنه ممالک روسیه به ولایات ایران و نیز از طرف ایران به ممالک روسیه برند و به معرض بیع رسانند و یا معاوضه با مال و اشیاء دیگری نمایند " این بند هرچند موضوعیت اقتصادی دارد اما از سوی دیگر ناظر به پیوستگی مردمان این مناطق می باشد که جدایی ناپذیری خود را به عاقدان قرارداد گلستان تحمیل می کرد چنانچه در فصل دهم نیز به اهالی اجازه داده می شد " که اموال و تنخواه خودشان را فروخته و اموال دیگر خریده و یا معاوضه کرده " به اوطانشان برگردند.

این محقق تاریخ گفت: یک نتیجه فرهنگی دیگر که در مفاد و بندهای عهدنامه گلستان تصریح نشده بود ایجاد نفرت عمومی از حکام قاجار و روسهای متجاوز بود که به اشتراک میان اهالی به نمایش در می آمد از جمله فقراتی که جیمز بیلی فریزر آورده و منفوریت روسها و قاجاران را در نزد مردم ایران در یک ردیف قرار داده است.

دکتر سلماسی زاده در پایان گفت: پیوند های مشترک مردمان شمال و جنوب ارس به ویژه جمهوری آذربایجان و ایران بایستی مورد بازبینی و توجه قرار گرفته و اهمیت انجام پژوهشهای مرتبط با این پیوستگی فرهنگی مورد تأکید قرار گیرد.

پایان پیام.